



تلخیص کتاب آشنائی با علوم حدیث تألیف علی نصیری

تالارهای تخصصی دروس حوزه‌های علمیه <http://forums.1zokr.com>

فصل اول

بازشناخت کلیات علم حدیث

📖 **حدیث** در لغت به معنای هر چیز نو، تر و تازه است و دو کاربرد لغوی دارد که عبارتند از: گفتار و رخداد و در اصطلاح عبارت است از: گفتار غیر قرآنی خداوند، معصومان، صحابه و تابعان و حکایت فعل و تقریر آنان

📖 **سنت** در لغت به معنای شیوه، روش و طریقه است و در اصطلاح عبارت است از قول، فعل و تقریر معصومان؛ سنت اعم از حدیث است زیرا سنت بر فعل و تقریر معصومان قابل اطلاق است، در حالی که حدیث تنها حکایت فعل و تقریر آنان را دربر می‌گیرد.

📖 **روایت** در لغت به معنای حمل است، و **خبر** در لغت به مفهوم چیزی است که آن را گزارش کنند، و **اثر** در لغت به مفهوم بر جای مانده از هر چیز است. این سه واژه یعنی روایت، خبر و اثر در اصطلاح مرادف **حدیث** بوده و همان معنای اصطلاحی حدیث را بدست می‌دهند.

حدیث قدسی عبارت است از: «گفتار خداوند که بدون عنوان معجزه و بدون هم‌آوردطلبی از زبان پیامبران حکایت شده است.»

📖 دلایل حجیت سنت پیامبر ﷺ بدین شرح است:

دلیل عقلی: فلسفه بعثت پیامبران: هدایت و تربیت انسان‌ها، پایان دادن به اختلاف‌ها و سامان دادن به نظام اجتماعی است. و این اهداف تنها در سایه عصمت پیامبران: قابل تحقق است و عصمت همه‌جانبه آنان به معنای حجیت گفتار و کردار آنان است.

دلایل نقلی:

۱- قرآن:

الف- حجیت داوری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ضرورت پذیرش بی‌چون و چرای داوری‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به معنای حجیت گفتار ایشان است. ﴿ان النَّاسُ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

ب- برابری اطاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اطاعت الهی: تاکید بر چنین برابری که در آیات متعددی آمده به معنای حجیت تمام گفتار و رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

ج- معرفی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان الگوی حسنه: ضرورت الگوگیری مطلق از رفتار و گفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بدون استثنا به معنای حجیت آنهاست. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

د- لزوم تمسک به تمام آموزه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ رسایی آیه از چند جهت است:

۱. جمله «ما آتاکم» به خاطر فراگیری معنایی هر آن چیزی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صادر شده است اعم از رفتار، گفتار، تقریر و کتابت را در بر می‌گیرد.
۲. در کنار فرمان به تمسک و عمل به برون دادهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، به اجتناب از منهیات ایشان تاکید شده است؛ یعنی عمل به اوامر و ترک مناهای یکجا آمده است.

۳. آوردن واژه رسول بر اساس قاعده «تعليق الحكم بالوصف مشعر بعليته» نشان از آن دارد که این اطاعت و پیروی کامل نه به خاطر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است، بلکه به خاطر حیثیت رسالت و انتساب ایشان به خداوند است.
۴. توصیه به تقوا و هشدار از کیفر سخت الهی از اعتبار سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ملازم دانستن آن پدیده تقوا حکایت دارد.

۲- اجماع: نسبت به حجیت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله میان تمام فرق اسلامی اجماع وجود دارد. (هرچند ملاک حجیت آن در اهل سنت اصالتاً و در شیعه کاشفیت از رأی معصوم است.)

۳- سیره عملی مسلمانان: تمسک پیوسته مسلمانان در طی سده‌های متمادی به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای پذیرش عملی حجیت سنت آن حضرت است.

📖 دلایل حجیت سنت ائمه علیهم السلام بدین شرح است:

دلیل عقلی: فلسفه رسالت پیامبران علیهم السلام همان‌گونه که عصمت و در نتیجه حجیت سنت آنان را اثبات می‌کند، عصمت ائمه علیهم السلام و حجیت سنت آنان را به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله به اثبات می‌رساند. امام از منظر شیعه وصی و جانشین پیامبر است و تمام وظایف پیامبر اعم از هدایت امت، سامان دادن به نظام اجتماعی با تشکیل حکومت اسلامی و رفع انواع اختلاف‌ها را برعهده دارد لذا به همان دلیل که پیامبر برای ایفای چنین نقشهایی باید معصوم باشد امام نیز چنین است.

دلایل نقلی:

۱- قرآن: آیاتی نظیر آیه ولایت، ابلاغ، تطهیر و ... در کنار اثبات امامت ائمه علیهم السلام و عصمت حجیت سنت آنان را به کمک برهان عقلی پیشین نیز اثبات می‌کند.

۲- سنت نبوی: در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امامت حضرت امیر علیه السلام به طور خاص و امامت سایر ائمه علیهم السلام به طور عام سخن به میان آمده است. و امامت، عصمت و در نتیجه حجیت سنت را ضروری می‌سازد. افزون بر آن در حدیث ثقلین بر همگامی سنت ائمه علیهم السلام با قرآن تا روز قیامت که به معنای همسانی قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام در حجیت است، تاکید شده است.

📖 محورهای اهتمام پیامبر صلی الله علیه و آله به حدیث بدین شرح است:

۱. **جایگاه فرهنگ تعلیم و تعلم در اسلام:** با توجه به اهمیتی که اسلام به گواهی دوست و دشمن نسبت به تعلیم و تعلم داشته و در سرتاسر آیات و روایات منعکس است، نمی‌توان مدعی شد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از سنت به عنوان دومین منبع دین‌شناسی غفلت داشته و نسبت به آن اهتمام تام نداشته است.

۲. **اهتمام پیامبر به نشر حدیث:** روایت: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا...» و جمله‌ی «فلیبلغ الشاهد الغائب» که در حجة الوداع ابراز شد، از نمونه‌های روشن اهتمام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نشر حدیث است.

۳. **اهتمام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کتابت حدیث:** این امر در دو محور قابل ارزیابی است:

الف. آن حضرت پیوسته از یاران خود می‌خواست تا به حافظه خود تکیه نکرده و اقدام به کتابت حدیث نمایند.

ب. فراهم آمدن برخی از مکتوبات حدیثی در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نظیر الصحیفة الصادقة نیز نشانگر چنین اهمیتی است.

فصل دوم

آشنایی با تاریخ حدیث اهل سنت

📖 سیر تاریخی حدیث اهل سنت را می‌توان به شش دوره تقسیم کرد. دوره ممانعت از تدوین حدیث، دوره تدوین حدیث و عصر شکوفایی دانش‌های حدیثی که مربوط عصر کنونی است، از مهمترین این ادوار است.

📖 سوزاندن ۵۰۰ روایت و جلوگیری از نقل حدیث و تاکید بر بسنده بودن قرآن از نشانه‌های مخالفت خلیفه اول (ابوبکر) با کتابت و تدوین حدیث است.

📖 سوزاندن نگاشته‌های حدیثی مسلمانان، فراخوانی صحابه از شهرهای مختلف به مدینه برای جلوگیری از نقل حدیث، به زندان انداختن گروهی از صحابه بخاطر کثرت نقل احادیث پیامبر & نشانگر مخالفت گسترده خلیفه دوم با نقل، کتابت و تدوین حدیث است.

📖 کار مخالفت با کتابت و تدوین حدیث در دوره عثمان البته با شدت کمتری همچنان استمرار یافت.

📖 در توجیه علل و انگیزه‌های ممانعت از نقل، کتابت و تدوین حدیث سه توجیه ارائه شده است که عبارتند از:

- ۱- روایات منسوب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۲- جلوگیری از اختلاف مردم ۳- بیم آمیختن حدیث با قرآن

📖 **روایات منسوب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** در منع تدوین حدیث از سه تن از صحابی به نام‌های: ابوسعید خدری، زید بن ثابت و ابوهریره نقل شده که همه آنها از نظر سند و دلالت دارای اشکالند.

📖 باتوجه به اذعان محدثان اهل سنت به وجود روایات اذن به کتابت در برابر روایات نهی، چهار راه‌حل در جمع میان این روایات، پیشنهاد شده است که عبارتند از:

۱- انحصار روایات اذن به افراد کم‌حافظه ۲- انحصار روایات اذن به افراد آشنا به کتابت

۳- ناسخ بودن روایات نهی نسبت به روایات اذن ۴- ناسخ بودن روایات اذن نسبت به روایات نهی

فقدان نگاه روشن در برخورد با روایات اذن و نهی، عدم استناد خلفاء به این روایات در زمان ممانعت از کتابت حدیث از جمله ضعف‌های این توجیه است.

📖 **جلوگیری از اختلاف مردم** دومین توجیه ممانعت از نقل و کتابت حدیث است که بر زبان ابوبکر جاری شد. این توجیه از آن جهت نادرست است که:

اولاً: جایگاه حدیث رفع ابهام از آیات قرآنی و رفع اختلاف است نه ایجاد اختلاف.

ثانیاً: راه جلوگیری از خطر اختلاف مردم تنقیح و پیراسته سازی احادیث است نه نابود کردن آنها.

📖 **بیم اختلاط حدیث با قرآن** نیز نمی‌تواند توجیه مناسبی برای ممانعت از کتابت و تدوین حدیث به شمار آید، زیرا پذیرش این توجیه بدین معناست که حدیث می‌تواند گفتاری همسان و همپای قرآن به حساب آید. در حالی که بنیان اعجاز قرآن بر هم‌آوردگی و عدم امکان ارائه گفتاری همسان آن استوار است.

📖 با توجه به ناکافی بودن توجیه‌های پیش‌گفته در تبیین علل و انگیزه‌های مخالفت از کتابت و تدوین حدیث، دانشوران شیعه معتقدند، در ورای این ممانعت انگیزه‌های غیر الهی نقش داشته است.

۱. جلوگیری از انتشار فضایل اهل بیت علیهم‌السلام بویژه علی علیه‌السلام

۲. محور روایات نکوهش خلفاء

۳. بنیان‌گذاری رأی و اجتهاد در برابر نصّ

انگیزه‌ها و اهدافی بوده که از نگاه این صاحب‌نظران مورد نظر خلفاء بوده است. زیرا آنان برای تحکیم حکومت غاصبانه خود و تضعیف جایگاه علی علیه‌السلام و سایر اهل‌بیت علیهم‌السلام ناگزیر از مقابله با انتشار احادیث بودند. زیرا انعکاس فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و نکوهش خلفاء در این روایات و ضرورت عمل به نصوص موافق مقاصد سیاسی آنها بوده است.

📖 گرچه خلفاء و توجیه‌کنندگان ممانعت از کتابت و تدوین حدیث، کار خود را در جهت مصلحت قرآن و به سود مسلمانان ارزیابی کرده‌اند، اما واقعیت آن است که عدم کتابت و تدوین حدیث طی یک سده زیان‌های جبران‌ناپذیری به فرهنگ دینی مسلمانان وارد ساخت که عبارتند از:

۱- از بین رفتن حلقه اتصال اسناد روایات به گونه‌ای که خاورشناسان همین امر را به معنای عدم اعتبار سنت ارزیابی کرده‌اند.

۲- راهیافت حجم انبوهی از روایات موضوع، چنانکه گردآوردندگان صحاح سته خود به آن اذعان کرده‌اند.

افزون بر صاحب‌نظران شیعی، شماری از حدیث‌پژوهان اهل سنت نیز بر تحقق چنین زیان‌هایی اذعان کرده‌اند.

📖 با آزاد شدن کتابت و تدوین حدیث که به دستور عمر بن عبدالعزیز در سال ۱۰۱ هجری انجام گرفت، و با فرمان او مبنی بر گردآوری سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از آغاز نیمه اول سده، دوم تا پایان همین سده گروهی از محدثان به گردآوری روایات روی آوردند.

📖 مالک بن انس (۱۷۹م) نخستین کسی است که به دستور منصور دوانیقی کتاب حدیثی خود یعنی موطأ را فراهم آورد. او نام کتاب خود را بخاطر کوشش مضاعف برای پیراستگی روایات موطأ (=منقح) نامید. کتاب موطأ حاوی ۳۰۹۱ روایت است. این کتاب بخاطر انعکاس روایات مرسل و نیز جانبداری از مکتب فقهی مدینه مورد نقد قرار گرفته است.

📖 احمد بن حنبل (۲۴۱م) از چهره‌های شناخته شده حدیثی و یکی از امامان چهارگانه فقه اهل سنت (فقه حنبلی) کتاب روایی خود را که براساس نام ۸۰۰ تن از صحابه و روایات نقل شده از آنان تنظیم کرد، مسند نامید. کنار گذاشتن عقل و تکیه مفرط بر منقولات روایی و ضروری ندانستن بررسی‌های سندی در روایات غیرفقهی از جمله عواملی است که باعث راهیابی انبوهی از روایات موضوع یا ضعیف در مسند احمد بن حنبل شد و از اعتبار این کتاب نزد محدثان اهل سنت کاست.

📖 رائج بودن مسندنویسی و گردآوری روایات بدون توجه به صحت و سقم آنها و نیز درخواست اسحاق بن راهویه (=استاد بخاری) انگیزه لازم برای روی‌آوری بخاری (م ۲۵۶) به گردآوری روایات فراهم آورد. صحیح بخاری حاوی ۷۵۶۳ روایت است که مولف آنها را طی ۱۶ سال از میان ششصد هزار روایت برگزید. روایات کتاب بر اساس ابواب فقهی، کلامی، اخلاقی، تفسیری و تاریخی تنظیم شده است.

📖 عالمان اهل سنت به یکصدا صحیح بخاری را صحیح‌ترین کتاب‌ها پس از قرآن و معتبرترین کتاب روایی می‌شناسند. شخصیت مولف، قدمت کتاب، دقت و احتیاط در نگارش و محتوای صحیح که هماهنگ با نگرش‌های کلامی اهل سنت است (که به همان رنگ و بویی است که طالبند) از عوامل برخورداری صحیح بخاری از چنین جایگاه بلندی است.

📖 به رغم اعتبار صحیح بخاری، شماری از حدیث‌پژوهان اهل سنت نقدهایی بر این کتاب وارد ساخته‌اند. برخورداری از ضعف‌های سندی و محتوایی از جمله این نقدهاست.

📖 حذف مرموزانه روایاتی که نشان‌گر حقایق تاریخی است همچون روایت غدیر خم، یاد نکردن روایات قابل توجهی از اهل بیت علیهم‌السلام، ذکر روایاتی ناصحیح در فضائل خلفا و گروهی از صحابه به خوبی از تعصب کور بخاری و عناد او با اهل بیت علیهم‌السلام حکایت دارد.

📖 مسلم بن حجاج قشیری (م ۲۶۱) دومین محدث برجسته اهل سنت است که با بهره جستن از دانش حدیثی استاد خود بخاری، و با الگو گرفتن از صحیح بخاری، کتاب روایی خود را به نام صحیح مسلم فراهم آورد.

مسلم از میان سیصد هزار روایت ۷۲۷۵ روایت را برگزید و در کتاب خود گرد آورد. این کتاب نیز براساس ابواب کلامی، فقهی، تفسیری، تاریخی و... تنظیم شده است. از نگاه اهل سنت صحیح مسلم پس از صحیح بخاری در دومین درجه از اعتبار و صحت قرار دارد.

📖 به رغم مشابهت صحیح بخاری با صحیح مسلم، این دو کتاب بخاطر تفاوت شرایط صحت روایات از نگاه مولفان، شیوه چینش ابواب و فصول و... نسبت به هم تفاوت دارند و عموم محدثان اهل سنت صحیح مسلم را از نظر دقت در نقل نصّ روایات و توجه به طرق و مضامین دیگر يك روایت و چینش و تنظیم ابواب بر صحیح بخاری ترجیح می‌دهند. هرچند صحیح بخاری از نظر آنان از نظر اتقان و صحت در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد.

📖 چهار کتاب: سنن ابی‌داود (م ۲۵۷) سنن ترمذی (م ۲۷۹) سنن نسایی (م ۳۰۳) و سنن ابن ماجه (م ۲۷۳) از آن جهت که عموم روایات آنها ناظر به روایات فقهی و احکام است باهم همسانند و از این جهت به آنها سنن اطلاق شده است. اعتبار و جایگاه این کتاب‌ها از نگاه عالمان اهل سنت پس از صحیح بخاری و صحیح مسلم براساس ترتیب مزبور است.

📖 در میان سنن چهارگانه پیشگفته، سنن ترمذی با توجه به یادکرد روایات غیر فقهی نظیر روایات تفسیری، معاد، فضائل و... از جامعیت بیشتری برخوردار است. بدین جهت به آن جامع ترمذی نیز می‌گویند. سنن ترمذی بخاطر ذکر برخی از روایات مربوط به فضائل مورد نقد قرار گرفته است.

📖 در میان صاحبان سنن چهارگانه نسایی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام محبت ویژه داشت و بخاطر اجتناب از نگارش کتابی در فضائل معاویه توسط شامیان مضروب و همین امر به مرگ او منتهی شد.

📖 پس از عصر تدوین جوامع روایی (دوره سوم) محدثان اهل سنت کوشش گسترده‌ای را برای تکمیل و تنظیم جوامع روایی بکار بستند و بدین ترتیب دوره سوم یعنی دوره تکمیل و تنظیم شکل گرفت. «المسند الصحیح» از ابن حبان، «الالزامات» از دار قطنی و «المستدرک علی الصحیحین» از حاکم نیشابوری، کتاب‌های حدیثی است که به منظور تکمیل جوامع روایی گرد آمده است و کتاب‌های «مصابیح السنه» از فراء بغوی، «جامع الاصول» از ابن اثیر جزری، «جامع المسانید» از ابن کثیر و... آثار روایی است که در زمینه تنظیم جوامع روایی فراهم شده است.

📖 در دوره چهارم شماری از دانشهای حدیثی ظهور یافت و برخی از دانشهای حدیثی که در سده‌های نخستین پدید آمده بود به تکامل خود نزدیک شد. رجال حدیث، مصطلحات حدیث و فقه الحدیث از جمله این دانش‌هاست. و فقه الحدیث دانشهای زیرمجموعه خود یعنی غریب الحدیث، مختلف الحدیث و ناسخ و منسوخ حدیث را دربر می‌گیرد.

📖 در عصر رکود (دوره پنجم) که شامل سده‌های دهم تا چهاردهم است دانش‌های حدیثی و کوشش برای تنظیم یا تکمیل روایات تا حدود زیادی دچار رکود و ایستایی شد.

📖 عصر شکوفایی دانش‌های حدیثی (دوره ششم) در تاریخ اهل سنت با تاریخ شیعه تا حدود زیادی همسان است.

فصل سوم

آشنایی با تاریخ حدیث شیعه

📖 تاریخ حدیث شیعه بخاطر تلاش اهل‌بیت علیهم‌السلام و یارانشان در کتابت حدیث در سده ممانعت از کتاب و تدوین حدیث دارای اتصال کامل است و جوامع روایی شیعه در عصر تدوین، به جای تکیه به سنت شفاهی به سنت مکتوب تکیه داشته است.

📖 در نخستین دوره از تاریخ حدیث شیعه نگاشته‌های حدیثی فراهم آمد که بخشی از آنها نظیر کتاب سلمان، کتاب الخطبه ابوذر و... در دست نیست و تنها گزارش تاریخی آنها بدست ما رسیده است و بخشی نیز همچون کتاب علی علیه‌السلام همینک در دست امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه بدست ما رسیده است.

📖 کتاب علی علیه‌السلام مجموعه‌ای از روایات است که با املاء پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به خط علی علیه‌السلام نگاشته شد. براساس روایات حجم این کتاب ۷۰ ذراع (به صورت طومار) و حاوی احکام مورد نیاز امت تا روز قیامت است که تنها شماری از اصحاب خاص ائمه علیهم‌السلام موفق به رؤیت آن شدند. این کتاب اینک به عنوان میراث روایی در اختیار امام عصر (عج) است.

📖 مصحف فاطمه: مجموعه‌ای روایی است که در آن گزارش رخدادهای و فتنه‌های امت بویژه فرزندان حضرت فاطمه: تا روز قیامت آمده است. با توجه به رواج شبهه تحریف قرآن و وجود قرآن دیگر نزد شیعیان به نام مصحف فاطمه:، ائمه علیهم‌السلام پیوسته بر عاری بودن این مصحف از آیات قرآن تأکید ورزیده‌اند.

📖 به استناد روایات تاریخی حضرت امیر علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بنا به دستور ایشان به تنظیم آیات و سور قرآن براساس ترتیب نزول و ثبت تفسیر و تأویل آنها پرداخت و بدین ترتیب مصحف آن حضرت شکل گرفت. این کتاب بخاطر برخورداری از روایات تفسیری یکی از منابع کهن روایی شیعه به‌شمار می‌رود.

📖 نهج البلاغه به معنای شیوه مناسب سخن گفتن نام مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حکمت حضرت امیر علیه‌السلام است که مرحوم سید رضی (م ۴۰۶) آنها را گرد آورد. سید رضی خود اذعان می‌کند که نهج البلاغه کنونی حاصل گزینش یک‌سوم مجموعه گفتار امام علی علیه‌السلام است. نهج البلاغه دارای ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ حکمت است. بخاطر محتوای غنی و رسایی و زیبایی ساختاری نهج البلاغه، آن را فروتر از کلام خالق و برتر از کلام مخلوق دانسته‌اند.

📖 صحیفه سجادیه مجموعه‌ای از دعا‌های امام سجاد علیه‌السلام است که در دوران حیات و به مناسبت‌های مختلف از سوی آن امام علیه‌السلام ابراز شد. گرچه این کتاب از نظر سندی فاقد اتصال است، اما بلندای سخن امام و انعکاس مضامین عرفانی و معارف بلند قرآنی در استناد آن به امام جای هیچ تردیدی را نمی‌گذارد. صحیفه سجادیه کنونی دارای ۵۴ دعا است.

📖 دومین دوره تاریخ حدیث شیعه دوره فراهم آمدن اصول اربعه (چهارصدگانه) است و مقصود از اصول اربعه مجموعه‌های روایی است که از زمان حضرت امیر علیه السلام تا زمان امام حسن عسکری علیه السلام، بویژه در عصر صادقین علیهم السلام توسط یاران ائمه علیهم السلام فراهم آمد.

📖 اصل از این جهت که عموماً عاری از اظهار نظر و اجتهادهای راوی است و مستقیماً ناقل گفتار معصوم علیه السلام است با کتاب و تصنیف متفاوت است. بر این اساس، اصل نگاشته‌ای است که در آن بخشهایی از روایات ائمه علیهم السلام بدون دخل و تصرف و بدون تنظیم روایات و تبویب آمده است.

📖 صاحبان کتب اربعه (=محمودون ثلاث) با استفاده از روایات اصول اربعه جوامع اولیه حدیثی را فراهم آوردند. این امر نشانگر اهمیت و جایگاه این نگاشته‌هاست.

📖 به رغم وجود اصول اربعه تا عصر شیخ طوسی (م ۴۶۰) و گزارش شماری از آنها تا عصر علامه مجلسی (م ۱۱۱۱) امروزه تنها شانزده اصل بدست ما رسیده است. تدوین جوامع روایی و آتش‌سوزی کتابخانه شیخ طوسی از عوامل نابود شدن اصول اربعه بر شمرده شده است.

📖 در عصر تدوین (دوره سوم) چهار کتاب اصلی روایی شیعه تألیف یافت که عبارتند از:

۱. کافی از ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹)
۲. من لایحضره الفقیه از محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱)
۳. تهذیب الاحکام از شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰)
۴. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار از شیخ طوسی

البته باید دانست که مدینه العلم اثر دیگر شیخ صدوق به عنوان پنجمین جامع روایی شیعه شناخته شده بود که متأسفانه اثری از آن در دست نیست.

📖 ثقة الاسلام کلینی متولد حدود ۲۵۵ هجری در روستای کلین شهر ری است. مکان متولد او چنان است که همه عالمان شیعه او را ستوده‌اند. آثار مرحوم کلینی و گفتار او در لابلای روایات کافی نشان می‌دهد که افزون بر حدیث، در زمینه کلام، فقه، تفسیر و سیره نیز صاحب نظر بوده است.

📖 «کافی» نخستین و مهمترین جامع روایی شیعه شامل ۱۶۱۹۹ روایت است که در سه بخش: اصول (۲ جلد)، فروع (۶ جلد) و روضه (۱ جلد) فراهم آمده است. مرحوم کلینی کتاب کافی را به انگیزه سامان دادن به دین مردم و جلوگیری از اختلافات طی بیست سال فراهم ساخت. امتیازات و ویژگیهای کافی عبارتند از: ۱. جامعیت ۲. چینش قابل تحسین

📖 گرچه برخی همچون ملا خلیل قزوینی استناد روضه به مرحوم کافی را مورد تشکیک قرار داده است، اما عموم محدثان شیعه با توجه به همسانی اسناد روایات روضه با اسناد سایر روایات کافی و فاصله زمانی بین ابن ادریس و طبقه هشتم یا نهم روات و اینکه نجاشی و شیخ طوسی که سالها قبل از ابن ادریس بوده‌اند روضه را جزئی از کافی دانسته‌اند، این نظریه را مردود دانسته و روضه را از کلینی دانسته‌اند.

📖 شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی از عالمان و محدثان برجسته شیعه است که در سال ۳۰۶ هجری با دعای امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان خانواده‌ای دانش‌پرور چشم به جهان گشود. شیخ صدوق در دوران حیات علمی مورد احترام زمامداران وقت از جمله آل بویه بود. ۲۵۰ اثر علمی از جمله «من لایحضره الفقیه» برای او برشمرده شده است. شیخ صدوق در سال ۳۸۱ هجری وفات یافت و در شهر ری مدفون شد.

📖 «من لایحضره الفقیه» دومین جامع روایی شیعه است که از نظر قدمت و اعتبار پس از کافی قرار دارد، حاوی ۵۹۹۸ روایت است که به عنوان خودآموز فقهی و در پاسخ به درخواست یکی از دوستان صمیمی شیخ صدوق و با الگو گرفتن از کتاب «من لایحضره الطیب» محمد بن زکریای رازی فراهم آمد.

محدودیت من لایحضره الفقیه به روایات فقهی، حذف اسناد روایات به استثنای آخرین راوی و در شماری از روایات تنها ذکر نام معصوم و تدارک آن در آخر کتاب در مشیخه و ذکر دیدگاه‌های فقهی در لابلای روایات از ویژگی‌های این کتاب است.

📖 ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ الطائفة در سال ۳۸۵ هجری در طوس خراسان تولد یافت و پس از تحصیل نزد اساتید بزرگی همچون شیخ مفید به مقامات عالی علمی نائل آمد و پس از واقعه هجوم متعصبان اهل سنت به خانه‌اش در محله کرخ بغداد با عزیمت به نجف، حوزه علمیه نجف را بنیان نهاد. آثار شیخ طوسی در زمینه‌های مختلف اسلامی به عنوان آثار بنیادین شیعه نشانگر وسعت دانش و همت اوست.

📖 «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» دو اثر روایی شیخ طوسی است که بخاطر استناد به اصول اربعه‌ا و اتقان محتوایی به عنوان سومین و چهارمین کتاب روایی شیعه شناخته شده است. به این دو کتاب اصطلاحاً «تهذیبین» می‌گویند.

📖 تهذیب الاحکام در حقیقت شرح روایی کتاب المقنعه شیخ مفید است که ۱۳۹۸۸ روایت را دربر دارد و در ده جلد منتشر شده است. شیخ طوسی انگیزه خود از تألیف این کتاب را پاسخ به طعنه مخالفان مبنی بر متعارض بودن روایات شیعه دانسته است. (وسائل الشیعه نیز شرح روایی کتاب فقهی شرائع الاسلام محقق حلی است).

انعکاس کامل‌تر روایات فروع، انعکاس روایات موافق و مخالف، ارائه شرح، تفسیر و تأویل روایات از ویژگی‌های تهذیب الاحکام است.

📖 «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» دومین اثر روایی شیخ طوسی و چهارمین کتاب از کتب اربعه است که پس از تهذیب و به منظور سامان‌دهی به روایات متعارض فراهم آمده است. این کتاب حاوی ۵۵۱۱ حدیث است که در چهار جلد منتشر شده است. شیخ طوسی در عموم روایات تهذیبین به استثنای آخرین راوی بقیه راویان سند را حذف کرده و در پایان کتاب فصلی تحت عنوان «مشیخه» طرق خود به این راویان را ذکر کرده است.

📖 میان اخباریان و اصولیان در میزان صحت روایات کتب اربعه اختلاف نظر وجود دارد. اخباریان معتقدند با توجه به آنکه کتب اربعه مستند به اصول اربعه بوده و صاحبان آنها در مقدمه کتابهایشان از صحت روایات دفاع کرده‌اند، نمی‌توان در صحت روایات این کتب تردید رواداشت. اما اصولیان ضمن مخدوش دانستن ادله اخباریان براین باورند که وجود شماری از روایات ضعیف در این کتابها ادعای صحت و قطعیت تمام روایات را منتفی می‌کند. از این رو می‌بایست سند و متن هر یک از روایات را به صورت جداگانه مورد بررسی قرارداد.

📖 در دوره چهارم از تاریخ حدیث شیعه (دوره تکمیل و تنظیم) گروهی از محدثان کوشیدند بخش برجای مانده میراث روایی شیعه را که در کتب اربعه نیامده است، تدارک کنند. بحار الانوار، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشیعه حاصل چنین نگرشی بوده است.

📖 محمدباقر بن محمدتقی معروف به علامه مجلسی یا مجلسی دوم (۱۱۱۱م) در سال ۱۰۳۷ در اصفهان تولد یافت و پس از فراگیری دانش از اساتیدی همچون: مجلسی اول (پدرش) و ملا صالح مازندرانی به صورت گسترده به دانش حدیث روی آورد و در کنار مشاغل اجتماعی ۱۶۰ عنوان کتاب از خود به یادگار گذاشت که ۸۶ عنوان فارسی و بقیه عربی است. کتاب بحار الانوار و شرح او بر کافی به نام «مرآة العقول» از برترین آثار روایی او است.

📖 «بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام» جامع‌ترین کتاب روایی شیعه از آغاز تا عصر حاضر است، در این کتاب که اینک در ۱۱۰ جلد منتشر شده هزاران روایت در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، تفسیری، تاریخی و فقهی آمده است. علامه مجلسی برای تهیه مصادر بحار الانوار کوشش گسترده‌ای انجام داد و با تشکیل گروه علمی با

همکاری شاگردان خود در طیّ چهل سال متوالی توانست تألیف آن را به انجام رساند. علامه مجلسی احتمال از دست رفتن میراث روایی و نیز روی‌آوری مردم به علوم عقلی و رویگردانی از روایات را انگیزه خود در تألیف بحار دانست.

📖 جامعیت، شرح و تبیین روایات، توجه به اختلاف نسخه‌ها، انعکاس روایات اهل سنت، توجه به تعارض روایات و... از جمله ویژگیهای بحارالانوار است.

📖 محمد بن حسن بن علی معروف به شیخ حرّ عاملی در سال ۱۰۳۳ در جبل عامل لبنان چشم به جهان گشود و پس از چهل سال درنگ در وطن خود و فراگیری دانش به قصد زیارت امام رضا علیه السلام، عازم مشهد شده و در این شهر ساکن گشت و سرانجام در سال ۱۱۰۴ هجری وفات یافت و در کنار حرم رضوی علیه السلام مدفون شد. شیخ در سال‌های اقامت خود در مشهد به تألیف آثار خود از جمله وسائل الشیعه اشتغال داشت. برای او تا ۲۴ اثر برشمرده‌اند.

📖 «تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» که نام مختصر آن وسائل الشیعه است کتابی است روایی که روایات فقهی برگرفته از کتب اربعه و ۷۰ کتاب دیگر در آن آمده و حاوی ۳۵۸۵۰ روایت است که در ۲۰ جلد منتشر شده است. از جمله امتیازات وسائل الشیعه بخش خاتمه آن است که مولف مباحث مهم حدیثی و رجالی را در ۱۲ فصل منعکس ساخته است.

📖 «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل» اثر میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰) کتابی است حاوی ۲۳۵۱۴ روایت که مؤلف با استفاده از منابع عدیده روایی در حوزه فقه فراهم آورده و به عنوان استدراک و تکمیل وسائل الشیعه ارائه نموده است. از امتیازات این کتاب بخش خاتمه آن است که به طرح مباحث مهم از جمله دفاع از مصادر کتاب اختصاص یافته است.

📖 آیه الله بروجردی (م ۱۳۸۰) از مراجع معاصر شیعه با توجه به کاستی‌های وسائل الشیعه کار تدوین کتاب روایی جامعی را در دستور کار خود قرار داد و با کمک شاگردان چند جلد از کتاب «جامع احادیث الشیعه» را فراهم آورد. این کتاب پس از وفات ایشان همچنان دنبال شد. ذکر آیات الاحکام، ذکر کامل و بدون تقطیع روایات، ارائه راه حل برای رفع تعارض روایات، اشاره به اختلاف نسخه‌ها، انعکاس جداگانه روایات سنن آداب اخلاق دعاها و اذکار، آوردن روایات مطابق فتوا و سپس روایات معارض یا مخالف مدلولی، مشخص نمودن مرجع ضمیر در موارد نیاز و معانی واژه‌های دشوار از جمله امتیازات این کتاب است.

📖 «وافی» اثر ملامحسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) نخستین و کامل‌ترین کتاب روایی است که تمام روایات کتب اربعه با حذف مکررات در آن آمده است. این کتاب دارای ۱۴ فصل است. مولف انگیزه خود از تألیف کتاب را عدم جامعیت

هریک از کتب اربعه و وجود تأویل‌های ناروا در تهذیبین دانسته است. وافی افزون بر حذف روایات مکرر و ارائه سامانی جدید از مجموعه روایات، دربرگیرنده توضیحات مفید و راهگشایی از سوی مولف در جهت ابهام‌زدایی از روایات است.

📖 جمال الدین حسن بن زین‌الدین (فرزند شهید ثانی) (م ۱۰۱۱) از عالمان و مجتهدان برجسته شیعه در سده دهم است که دارای ۱۲ اثر در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است. کتاب معالم‌الدین او هنوز در حوزه‌ها تدریس می‌شود. او در اقدامی قابل تحسین روایات کتب اربعه را به دو دسته صحیح و حسن تقسیم کرد و کتابی به نام «منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان» فراهم آورد. مولف در آغاز کتاب در فوائد دوازده‌گانه مباحث مفیدی را ارائه کرده است. متأسفانه این کتاب تا کتاب الحج متوقف ماند و به اتمام نرسید.

📖 تاریخ حدیث شیعه در دو دوره: ۱. سده پنجم تا سده دهم ۲. سده دوازدهم و سیزدهم دچار رکود نسبی شد. غلبه فقه و اجتهاد از عوامل رکود نسبی حدیث در این دو دوره بوده است. احیاء نهضت اخباریان توسط محمدامین استرآبادی (م ۱۰۲۳) و رویکرد به روایات، به دانش حدیث حیاتی دوباره بخشید و با رحلت علامه مجلسی (م ۱۱۱۱) و ظهور وحید بهبهانی (م ۱۲۸۰) فرهنگ حدیثی شیعه مجدداً با رکود نسبی روبرو گردید(!؟)

📖 از سده چهاردهم تا عصر ما دوره شکوفایی دانش‌های حدیثی شکل می‌گیرد. در این دوره شکلی نوین در رویکرد به حدیث اتفاق افتاد که محورهای اساسی آن بدین شرح است:

۱. بررسی عمیق و نقادانه تاریخ حدیث
۲. محدود شدن حوزه مطالعات حدیثی
۳. نقد و پالایش روایات
۴. تدوین فرهنگ‌های روایی
۵. احیاء آثار پیشینیان
۶. رویکرد خاورشناسان به حدیث
۷. به خدمت گرفتن نرم افزارهای کامپیوتر در عرصه حدیث پژوهی.

فصل چهارم

آشنایی با مصطلح الحدیث

📖 از دانش مصطلح الحدیث با عناوین دیگری همچون: درایة الحدیث، اصول الحدیث نیز یاد می‌شود اما بهترین عنوان برای این دانش همان مصطلح الحدیث یا اصطلاحات حدیث است.

📖 مصطلح الحدیث دانشی است که از تقسیمات خبر، اصطلاحات ناظر به سند و متن، طرق و شرایط تحمل و شرایط نقل و پذیرش روایات گفتگو می‌کند.

📖 موضوع مصطلحات حدیث، سند و متن است و مسائل آن حالاتی نظیر صحت و حسن است که بر سند عارض می‌شود یا حالاتی نظیر اجمال و تبیین که بر متن عارض می‌شود. شناخت اصطلاحاتی که در گفتار محدثان درباره روایات به کار رفته و نیز چگونگی تمییز قایل شدن میان روایات مقبول و مردود از فوائد این علم است.

📖 گرچه گفته شده که مسائل این علم بسیار زیاد است یا برخی تا ۶۰ علم برای آن برشمرده‌اند، اما باید دانست چنین فزون‌نگری مبتنی بر شیوه قداماء است که بر هر مسأله يك علم اطلاق می‌کردند. از این رو مسائل این علم را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد که عبارتند از:

۱. تقسیمات خبر (متواتر و آحاد و آحاد به صحیح و ...) ۲. اصطلاحات (ناظر به سند و متن)

۳. شرائط و طرق تحمل حدیث ۴. شرایط نقل و پذیرش روایات

📖 متواتر از ریشه تواتر به معنای تتابع و پی در پی آمدن چیزی است و در اصطلاح عبارت است از حدیثی که شمار راویان آن در هر طبقه به حدی باشد که عادتاً تبانی آنان بر دروغ محال باشد.

📖 گرچه برای شمار راویان خبر متواتر عدد و ارقامی همچون ۱۴، ۲۰، ۴۰ و... پیشنهاد شد، اما عموم محدثان با مخالفت با این ارقام معتقدند ملاک در خبر متواتر، قطع‌آوری آن است و نمی‌توان برای راویان آن عدد مشخصی تعیین کرد.

📖 شرایط تحقق تواتر در روایات عبارتست از:

۱. استناد آگاهی مخبرین به حسّ ۲. وجود تواتر در تمام طبقات

شرایط علم‌آوری خبر متواتر عبارتست از:

۱. عدم آگاهی سامع از مضمون خبر

۲. مسبوق نبودن سامع به شبهه یا تقلید

📖 متواتر به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. متواتر لفظی: هرگاه روایان حدیث متواتر در تمام طبقات، آن حدیث را با يك لفظ نقل کنند به آن متواتر لفظی

اطلاق می‌شود. متواتر لفظی در میان مجموع روایات بسیار اندک است.

۲. متواتر معنوی: هرگاه روایات متواتر بدون آنکه در لفظ دارای وحدت باشند، يك معنا را به دست دهند به آن متواتر

معنوی گفته می‌شود.

📖 خبر واحد خبری است که شمار روایان آن در تمام یا یکی از طبقات به حدّ تواتر نباشد. عموم روایاتی که به دست

ما رسیده خبر واحد است و عموم تقسیمات و اصطلاحات حدیثی نیز ناظر به این نوع از خبر است.

📖 قدماء امامیه با عطف توجه به همراه بودن خبر واحد با قرائن یا عاری بودن آن از قرائن خبر واحد را به دو دسته

اساسی صحیح و ضعیف تقسیم می‌کردند. از نظر آنان اگر خبری محفوف به قرائن باشد صحیح و اگر عاری از قرائن

باشد ضعیف است. اما از دوران علامه حلی (م ۶۷۷) یا سید بن طاووس (م ۶۷۳) احادیث به چهار دسته صحیح، حسن،

موثق و ضعیف تقسیم شد.

📖 خبر صحیح عبارت است از روایتی که سند آن از رهگذر روایان عادل و امامی در تمام طبقات به معصوم متصل

باشد. بر این اساس نقل از معصوم، اتصال سند و برخورداری روایان از عدالت و امامی بودن شرایط تحقق خبر صحیح است.

📖 خبر صحیح از نگاه محدثان اهل سنت خبری است که دارای سه شرط وجودی و دو شرط عدمی باشد.

شرائط وجودی عبارتند از: ۱. اتصال سند ۲. عدالت روایان ۳. ضابط بودن روایان

و دو شرط عدمی عبارتند از: ۱. شاذ نبودن روایت (يك راوی ناقل آن نباشد). ۲. عاری بودن روایت از علّت (آفتی مثل

ارسال یا وهم که پیچیده و پنهان است نداشته باشد).

📖 حسن روایتی است که سند آن توسط روایان امامی عادل به استثنای يك یا چند راوی که تصریح به عدالت آنها

نشده، به معصوم متصل باشد. به عبارتی دیگر خبر حسن واجد تمام شرائط خبر صحیح است جز آنکه نسبت به يك یا

چند تن از روایان سند به جای تصریح به عدالت، تنها به ستایش آنها در منابع رجالی اکتفا شده باشد.

📖 روایت حسن از نگاه محدثان اهل سنت روایتی است که واجد تمام شرایط خبر صحیح (سه شرط وجودی و دو شرط عدمی) است به استثنای آن يك یا چند تن از راویان سند از صفت ضابط بودن در حدّ کمتری بهره داشته و اصطلاحاً خفیف الضبط باشند.

📖 موثق خبری است که به رغم برخورداری از اتصال سند به معصوم و نیز عدالت راویان، يك یا چند راوی غیر امامی باشند. اعم از اینکه از اهل سنت یا پیرو یکی از فرق شیعه باشند.

📖 خبر ضعیف خبری است که هیچ يك از تعاریف صحیح، حسن و موثق بر آن صادق نباشد. به عبارت دیگر هر حدیثی که فاقد اتصال سند باشد یا راویان آن فاقد صفت عدالت باشند، ضعیف است.

📖 اصطلاحات حدیثی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- | | |
|--|---------------------------|
| ۱. اصطلاحات سندی ناظر به اتصال سند | } ۱. اصطلاحات ناظر به سند |
| ۲. اصطلاحات سندی ناظر به انقطاع سند | |
| ۳. اصطلاحات سندی ناظر به کیفیت تحمل و نقل روایت | |
| ۴. اصطلاحات سندی ناظر به چگونگی طرح در منابع رجالی | |

- | | |
|--|---------------------------|
| ۱. اصطلاحات متنی ناظر به چگونگی دلالت | } ۲. اصطلاحات ناظر به متن |
| ۲. اصطلاحات متنی ناظر به پذیرش یا ردّ روایات | |

۳. اصطلاحات ناظر به سند و متن

📖 **تعاریف اصطلاحات سندی ناظر به اتصال سند** بدین شرح است:

۱. مسند: روایتی که سلسله اسناد آن در تمام طبقات تا به معصوم متصل باشد.
۲. متصل یا موصول: روایتی که سلسله اسناد آن تا به معصوم یا غیر معصوم متصل باشد.
۳. عالی و نازل: روایتی که از واسطه کمتری تا معصوم برخوردار باشد، عالی السند است و روایتی که از واسطه بیشتری تا معصوم برخوردار باشد، نازل است.
۴. مضمّر: روایتی که در انتهای سند به جای تصریح به نام معصوم از ضمیر غائب استفاده شده باشد. (تقیه یا مشتبه شدن)
۵. مفرد: حدیثی که تنها از يك راوی یا يك فرقه یا يك شهر خاص نقل شده باشد.
۶. موقوف: روایتی که سلسله سند آن به صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله یا مصاحب امام علیه السلام منتهی شود. (برای شیعه حجیت ندارد.)

۷. مقطوع: روایتی که سند آن به یکی از تابعان منتهی شود. (برای شیعه حجیت ندارد).
۸. مشهور: روایتی که نقل آن شایع باشد اعم از آنکه در برابرش روایت شاذّ باشد یا نباشد.
۹. مستفیض: روایتی که شمار راویان آن در هر طبقه بیش از سه تن باشند.
۱۰. عزیز: روایتی که شمار راویان آن در هر طبقه دو تن باشند.
۱۱. شاذّ یا نادر: روایتی که به رغم ثقه بودن راویان آن دارای يك اسناد است و مخالف روایتی است که گروهی (مشهور) آن را نقل کرده‌اند.
۱۲. منکر یا مردود: روایتی که راویان آن غیر ثقه و دارای يك اسناد است و مخالف روایتی است که گروهی (مشهور) آن را نقل کرده‌اند.

تعاریف اصطلاحات سندی ناظر به انقطاع سند بدین شرح است:

۱. معلق: روایتی که در آغاز سند آن يك یا چند واسطه حذف شده و حدیث به راویان بعدی استناد داده شده باشد.
۲. منقطع: روایتی که از آغاز سند یا از واسطه یا از میانه آن يك یا چند راوی افتاده باشد.
۳. معضل: روایتی که از وسط سند آن بیش از يك راوی حذف شده باشد.
۴. مرفوع: مرفوع دارای دو تعریف است:

الف. هر حدیثی که به معصوم منتسب باشد اعم از آنکه متصل باشد یا منقطع.

ب. هر حدیثی که از وسط یا آخر سند آن يك راوی یا بیشتر افتاده باشد و تصریح به لفظ رفع شده باشد.

۵. مرسل: دارای دو اصطلاح است:

معنای عام: هر حدیثی که دچار ارسال و حذف اسناد باشد. (اصطلاح شایع تر)

معنای خاص: هر حدیثی که تابعان بدون ذکر نام صحابه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کنند.

۶. مدلس: مدلس بر دو قسم است:

الف. تدلیس اسناد: روایتی که دارای عیب سندی بوده و این عیب پنهان شده باشد.

ب. تدلیس در شیوخ: راوی به رغم ملاقات با شیخ از تصریح به نام او اجتناب کند.

۷. موضوع: روایتی که به دروغ ساخته شده و به معصوم نسبت داده شود.

📖 **تعاریف اصطلاحات سندی ناظر به چگونگی تحمل و نقل حدیث** بدین شرح است:

۱. مکاتب: حدیثی که حکایت از کتابت حکم از سوی معصوم علیه السلام دارد.
۲. مدیج: حدیثی که راویان آن از نظر سن یا اسناد یا ملاقات با مشایخ مقارن هم بوده و هر یک از دیگری نقل کند.
۳. روایه الاقران: در صورتی که دو راوی از نظر سن، ملاقات با شیخ مقارن هم باشند و تنها یکی از آنان برای دیگری حدیث نقل کند.
۴. روایه الاکابر عن الاصاغر: هرگاه راوی نسبت به مروی‌عنه از نظر سن یا ملاقات با شیخ یا میزان دانش از سطح بالاتری برخوردار باشد.

📖 **تعاریف اصطلاحات سندی ناظر به چگونگی طرح در منابع رجالی** بدین شرح است:

۱. مجهول: روایتی که نام تمام یا برخی از راویان آن در منابع رجالی نیامده باشد یا حکم به ناشناس بودن او شده باشد.
۲. مهمل: روایتی که به رغم ذکر نام راویان آن در منابع رجالی درباره مدح یا ذم برخی از راویان آن سکوت شده باشد.
۳. مشترک: روایتی که نام برخی از راویان سند آن میان چند تن مشترک باشد که برخی ثقه و برخی غیر ثقه باشند.
۴. متشابه: روایتی که نام پدران راویان آن از نظر نگارش یکسان اما از نظر نطق و اداء متفاوت باشد.

📖 **تعاریف اصطلاحات متنی ناظر به چگونگی دلالت** بدین شرح است:


۱. نص: روایتی که دلالت آن چنان صریح باشد که تنها در آن یک معنا محتمل باشد.
۲. ظاهر: روایتی که در دلالت آن بر یک معنا احتمال خلاف داده شود.
۳. مجمل: روایتی که در دلالت‌رسانی دارای اجمال باشد و نسبت به بیان تفصیل و جزئیات سکوت شده باشد.
۴. مبین: روایتی که جزئیات و تفصیل مورد انتظار تبیین شده باشد و شامل نص و ظاهر می‌شود.
۵. ناسخ: روایتی که حکم روایت دیگر را رفع می‌کند. (نسخ رفع حکم سابق با آمدن دلیل لاحق است.)
۶. منسوخ: روایتی که با آمدن روایت ناسخ، حکم آن رفع می‌شود.
۷. محکم: روایتی که در دلالت دارای استواری بوده و فاقد وجوه معنایی است.
۸. متشابه: روایتی که دارای چند پهلوئی معنایی بوده و مراد جدی متکلم و رای ظاهر آن است.
۹. مشکل: روایتی که از نظر مضمون دارای غموض و پیچیدگی است. (مثل اعرفوا الله بالله و الرسول بالرسالة...)
۱۰. غریب لفظی: روایتی که برخی الفاظ آن بخاطر قلت استعمال دور از فهم باشد.


تعاریف اصطلاحات متنی ناظر به پذیرش یا رد روایات بدین شرح است:

۱. مقبول: روایتی که بدون در نظر گرفتن چگونگی سند، متن آن مورد پذیرش قرار گرفته است.
۲. معتبر: روایتی که مورد پذیرش عموم است.
۳. مطروح: روایتی که متن آن مخالف دلیل قطعی بوده و غیر قابل تأویل باشد.

تعاریف اصطلاحات ناظر به متن و سند بدین شرح است:


۱. معلّل: حدیثی که در متن یا سند آن عیب پنهان و پیچیده باشد. (در اصطلاح فقهای متأخر، معلل حدیثی است که دربرگیرنده علت و سبب حکم باشد).
۲. مُدْرَج: حدیثی که گفتار راوی در سند یا در متن گنجانده شده و گمان رود که جزء روایت است.
۳. مصحّف: روایتی که هنگام کتابت سند یا متن آن به گونه‌ای که مشابه متن اصلی است تغییر کرده باشد. (مثل تغییر برید به یزید و حرّیز به جریر یا تصحیف ستاً به شبئاً)
۴. مزید: حدیثی که در مقایسه با سایر احادیث نقل شده در زمینه آن دارای افزونی باشد. (چه در متن چه سند)


 در مرحله تحمل روایت تنها دو شرط لازم است که عبارتند از: ۱. عقل ۲. تمییز (مرحله بین صباوت و بلوغ)


 طرق تحمل حدیث هشت نوع است که عبارتند از:

۱. سماع
۲. قرائت
۳. اجازه
۴. مناوّه
۵. اعلام
۶. وصیت
۷. وصیت
۸. وجادة

در میان این طرق بیشترین کاربرد از آن سه طریق نخست است.

 **سماع** به معنای شنیدن است یعنی راوی در حضور شیخ حدیث، روایتی را که او از روی حافظه یا نوشته می‌خواند، استماع کند و در صورتی که راوی گفتار شیخ را کتابت کند به آن «املاء» می‌گویند. در میان هشت طریق سماع بهترین شیوه است. (سمعت فلاناً، حدّث فلان، حدّثنی، حدّثنا، أخبرنا، أنبأنا و...)

 **قرائت** به این معناست که راوی روایت را بر شیخ بخواند و شیخ آن را استماع کند. به این شیوه «عرض» نیز می‌گویند. قرائت دومین شیوه برتر تحمل حدیث است.

 **اجازه** بدین معناست که شیخ به راوی اجازه دهد تا روایات شنیده از او یا کتاب روایی او را نقل کند. اجازه پس از عصر تدوین حدیث به صورت تشریفات و از باب تیمّن و تبرک انجام می‌پذیرد.

📖 **مناوله** آن است که شیخ کتاب حدیثی را در اختیار راوی قرار دهد. مناوله می‌تواند همراه با اجازه یا بدون آن باشد.

📖 **کتابت** آن است که شیخ روایات خود را برای مخاطب حاضر یا شخص غائب بنگارد یا به شخص موثقی فرمان دهد تا آن روایات را برای مخاطب بنگارد. کتابت می‌تواند همراه یا بدون اجازه باشد. (کتب الی فلان)

📖 **اعلام** آن است که شیخ با گفتار صریح یا غیر صریح یا با کتابت اعلام کند که این کتاب یا حدیث از فلان شخص است و از اجازه روایت آن سخنی به میان نیاورد.

📖 **وصیت** بدین معناست که شیخ هنگام مسافرت یا مرگ به شخصی وصیت کند تا کتاب روایی او را نقل کند.

📖 **وجاهه** در لغت به معنای یافتن است و اصطلاحاً به این معناست که راوی کتاب یا روایاتی به خط شیخ را بیابد و بی‌آنکه معاصر او باشد به خاطر یقین به استناد به خط شیخ آن را روایت کند.

📖 به هنگام نقل روایت می‌بایست شرائطی رعایت شود که عبارتند از:

۱. ذکر سند روایات
۲. ذکر نص روایات و پرهیز از نقل به معنا
۳. ذکر کامل روایات و عدم تقطیع

📖 ذکر اسناد روایات که تنها در میان مسلمانان متداول است از امتیازات منقولات حدیثی و تاریخی است که امکان بیشتر را در پذیرش یا ردّ روایات فراهم می‌سازد. بدون تردید توصیه پیشوایان دینی از عوامل عمده اهتمام مسلمانان در ذکر اسناد در کنار متون روایات بوده است.

📖 باتوجه به آنکه مفهوم هر روایت بر واژه‌ها و نوع چینش آن‌ها استوار است، از این رو بر هر راوی لازم است که نصّ روایات را بدون دخل و تصرف نقل کند ولی به رغم اهمیت نقل نص روایات، این امر با دشواریهایی روبرو بوده است. از این رو در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نقل به معنا در صورت رعایت اصول آن مجاز شمرده شده است.

📖 در نقل به معنا رعایت سه شرط الزامی است:

۱. آگاهی راوی از معنای واژه‌ها و تفاوت نوع چینش جملات تا بتواند روایت را به صورتی که نزدیک به متن اصلی است نقل کند. (به اندازه کافی گفتار شناس و ادیب باشد).
۲. نقل به معنا نباید از رساندن معنای مقصود دچار کاستی باشد.

۳. در دلالت‌رسانی به مثابه گفتار اصلی باشد.

📖 از آنجا که مجموعه الفاظ و فقرات يك روایت به عنوان سیاق در معنادهی آن موثر است، تقطیع روایات ممنوع است مگر در مواردی که میان فقرات ارتباطی در بین نباشد و تقطیع به معنای آن زیانی نرساند.

📖 شرایط پذیرش روایات عبارتند از:

۱. اسلام ۲. عقل ۳. بلوغ ۴. ایمان ۵. عدالت ۶. ضبط

براساس این شرایط روایات کفار، مجانین و سفیهان، سنیان یا شیعیان غیر امامی، فاسقان و کسانی که قدرت حفظ و ضبط آنان اندک است، قابل پذیرش نیست.

فصل پنجم

آشنایی با رجال الحدیث

📖 رجال دانشی است که به معرفی راویان و صفاتی که در پذیرش یا عدم پذیرش راویان نقش دارد، نظیر ایمان و عدالت می‌پردازد و از چگونگی توثیق و جرح راویان و راههای رفع تعارض میان جرح و تعدیل سخن به میان می‌آورد. مباحث علم رجال به دو بخش نظری و کاربردی منقسم است.

📖 موضوع علم رجال راویان حدیث است و مسائل آن شامل چهار دسته است:

الفاظ جرح و تعدیل توثیقات خاص توثیقات عام شناخت منابع رجالی

📖 الفاظی همچون: عدل، امامی؛ امامی ضابط؛ تقه، تقه فی الحدیث أو فی الروایة، حجت، عین و وجه از جمله الفاظ توثیق و الفاظی همچون: غال، ناصب/ فاسق، شارب الخمر، کذاب، وضاع الحدیث، یختلق الحدیث، لیس بعاذل، لیس بصادق - ضعیف(نزد قدما به اشخاص کم حافظه یا دارای سوء حافظه) از جمله الفاظ جرح به شمار می‌آیند.

📖 در تعارض جرح و تعدیل سه نظریه ارائه شده است:

۱. مطلقاً جرح مقدم است.

۲. مطلقاً تعدیل مقدم است.

۳. اگر میان جرح و تعدیل جمع ممکن نباشد نخست به مرجحات مراجعه و در صورت فقدان مرجحات، توقف می‌کنیم.

📖 شیوه‌های توثیق به دو دسته اصلی: توثیقات خاص و توثیقات عام تقسیم می‌شود. مقصود از توثیقات خاص آن است که در مورد خصوص يك راوی الفاظ دال بر وثاقت رسیده باشد. (دلالت بر توثیق مطابقی) اما در توثیقات عام نسبت به گروهی خاص توثیقی رسیده که راوی مورد نظر در میان آنان قرار دارد. (دلالت بر توثیق تضمینی)

📖 توثیقات خاص چهار قسم است:

۱. **تنصیص یکی از معصومان علیهم‌السلام**

۲. **تنصیص یکی از اعلام متأخر**

۳. **ادعای اجماع از سوی رجالیان**

۴. **تنصیص یکی از اعلام متقدم**

📖 با تنصیص یکی از ائمه علیهم‌السلام وثاقت راویان با محکم‌ترین شیوه ممکن اثبات می‌گردد. دستیابی به چنین تنصیصی دو راه دارد: علم وجدانی. یعنی در حضور امام علیه‌السلام، ناظر چنین تنصیصی باشیم.

از راه روایت معتبر

در دوران ما تنها راه دوم قابل دستیابی است.

📖 با **تنصیص یکی از چهره‌های علمی پیش** از شیخ طوسی (م ۴۶۰) همچون: برقی، ابن قولویه، کشی، صدوق، مفید، نجاشی و ... وثاقت راویان اثبات می‌شود. ادله حجیت خبر واحد و نیز خبر ویت رجالیان متقدم به تنصیص آنان حجیت می‌بخشد.

📖 **تنصیص اعلام متأخر** یعنی چهره‌هایی که پس از شیخ طوسی. آمده‌اند بر دو دسته است:

۱. تنصیص مستند به حسن چنین تنصیصی از باب شهادت حجت است نظیر دیدگاه‌های رجالی شیخ منتجب الدین و ابن شهر آشوب که قریب العصر راویان بوده‌اند.

۲. تنصیص مستند به حدس نظیر تنصیص‌های رجالیون پس از علامه حلی همچون میرزا استرآبادی، سید تفرشی، محقق اردبیلی، قهپایی، علامه مجلسی، آیه الله خویی و ... که سده‌ها از عصر راویان فاصله زمانی دارند.

📖 با **ادعای اجماع رجالیان** به ویژه متقدم، وثاقت راویان اثبات می‌گردد زیرا ادله حجیت اجماع منقول چنین اجماعی را نیز شامل می‌گردد. (در اصول آمده که اجماع منقول فی حد ذاته حجیت ندارد ولی اگر از طرف کسی ادعا شود که قول او از باب حجیت خبر واحد حجت است، از حجیت برخوردار می‌شود).

📖 گذشته از توثیقات خاص، از توثیقات عام نیز برای اثبات وثاقت راویان استفاده می‌شود. توثیقات عام به پنج دسته منقسم است:

۱. **اصحاب اجماع**
۲. **مشایخ ثقات**
۳. **راویان مذکور در کتاب «کامل الزیارات»**
۴. **راویان مذکور در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی**
۵. **مشایخ اجازه**

📖 **اصحاب اجماع** گروهی از راویان بزرگ (۲۲ تن) اند که به خاطر تمجید از آنان در روایات و نیز از سوی رجالیان متقدم به عنوان راویان ثقة شناخته شده‌اند و از آنجا که نسبت به وثاقت آنان اجماع وجود دارد به آنان اصحاب اجماع گفته‌اند. نخستین بار کَشّی از اصحاب اجماع و "تصحیح ما یصحّ عنهم" سخن به میان آورد. درباره مفهوم تصحیح روایات اصحاب اجماع دو نظریه گفته شده است:

۱. موثق بودن اصحاب اجماع. که در این صورت ثقة بودن آنان به معنای صحیح دانستن روایات آنان نیست بلکه اصحاب اجماع جزو توثیقات عام خواهد شد.
۲. صحیح شمردن مرویات آنان حتی اگر فاقد شرائط صحت باشد که در این صورت مرتبه‌ای فراتر از توثیق برای اصحاب اجماع ثابت می‌شود.

📖 نخستین بار شیخ طوسی از اصطلاح مشایخ ثقات سخن به میان آورد مقصود از این عنوان گروهی از راویان بزرگند که درباره وثاقت آنان یا صحت مرویاتشان هرچندکه دارای ارسال سند باشد، دیدگاه‌های همسانی از سوی رجالیان ارائه شده است.

📖 مشایخ ثقات پنج تنند؛ بدین شرح:

۱. محمد بن ابی عمیر
۲. صفوان بن یحیی
۳. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی
۴. احمد بن محمد بن عیسی قمی
۵. بنو فضال

گفته شده **راویان مذکور در کتاب‌های «کامل الزیارة» و «تفسیر علی بن ابراهیم قمی»** جزو ثقاتند، هرچند صاحبان این کتاب‌ها مستقیماً و بدون واسطه از آنان روایت نقل نکرده باشند. دلیل مدعا شخصیت حدیثی آنان و نیز اذعان به نقل از ثقات از سوی برخی از آنان همچون ابن قولویه است. این ادعا با مخالفت‌های جدی رجالیان روبرو است هرچند درباره کتاب کامل الزیارات دیدگاه‌های مساعدتری در بین است.

گروهی از راویان حدیث، روایت اصل یا کتاب حدیثی را برای افرادی اجازه داده‌اند که از آنها به مشایخ اجازه یاد می‌شود و از آنجا که اجازه حدیث در گذشته از برخورداری شخص از جایگاه و مرتبه‌ای بلند در حدیث حکایت داشته، از این رو گفته شده که مشایخ اجازه جزء ثقاتند، اما از آنجا که میان شیخ اجازه بودن با وثاقت ملازمه نیست و از سوی دیگر برخی از مشایخ اجازه فاقد وثاقتند، این مدعا مردود است.

منابع رجالی شیعه از نظر ادوار تاریخی سه دسته هستند:

۱. منابع اولیه در سده‌های سوم تا پنجم: رجال کشی، فهرست نجاشی، رجال شیخ طوسی، فهرست شیخ طوسی، رجال برقی، رساله ابو غالب زراری و رجال ابن غضائری
۲. منابع ثانویه در سده‌های ششم تا هشتم: فهرست شیخ منتجب‌الدین، معالم العلماء ابن شهر آشوب، رجال ابن داود و خلاصة الأقوال علامه حلی
۳. منابع متأخر از سده دهم تا کنون: مجمع الرجال قهبایی، نقد الرجال تفرشی، جامع الرواة اردبیلی، رجال سید بحر العلوم، تنقیح المقال مامقانی، قاموس الرجال تستری (شوشتری) و معجم الرجال الحدیث آیه الله خویی

«معرفة الرجال» یا «معرفة الناقلين عن الأئمة الصادقين» یا «رجال کشی» نخستین و کهن‌ترین منبع رجالی شیعه است که در آن رجال عامه و خاصه انعکاس یافته بود. این کتاب اینک در دست ما نیست اما تلخیص آن با عنوان «اختیار معرفة الرجال» که توسط شیخ طوسی انجام گرفت و منحصر به رجال شیعه است، در دسترس ما می‌باشد.

نجاشی از رجالیان و عالمان برجسته شیعه در سده پنجم دومین کتاب رجالی شیعه به نام «فهرس اسماء مصنفی الشیعه» که به فهرست نجاشی معروف است، فراهم آورد. این کتاب، گرچه به هدف دفاع از فرهنگ تشیع، به فهرست کتاب‌های تألیف‌یافته تا عصر نجاشی اختصاص یافته اما به خاطر توصیفی که از صاحبان کتب ارائه کرده به عنوان منبع رجالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در رجال نجاشی تنها رجال شیعی آمده و از راویان اهل سنت تنها در مواردی که روایاتی را از شیعه نقل کرده‌اند یا کتابی در خدمت فرهنگ شیعه نگاشته‌اند نظیر مدائنی و طبری نام برده است.

📖 شیخ طوسی دارای دو منبع مهم رجالی به نام‌های «رجال» و «فهرست» است. رجال شیخ به صورت گسترده‌ای شمار زیادی از راویان امامی و حتی غیرامامی را به ترتیب راویان صحابه، راویان امیر المؤمنین علیه السلام، راویان امام حسن مجتبی علیه السلام و ... منعکس ساخته است. اما در فهرست نام ۹۱۲ راوی شیعه آمده که دارای کتاب یا اصل بوده‌اند.

📖 رجال ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی از عالمان نام‌آور شیعه در سده سوم که به رجال برقی معروف است، پنجمین منبع رجالی کهن شیعه است که در آن نام ۱۷۰۷ راوی به همراه توضیحات کوتاهی درباره شخصیت آنان بر اساس ادوار تاریخی مانند رجال شیخ آمده است. در پایان کتاب نام ۱۲ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شده که روز جمعه و در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوبکر اعتراض کرده‌اند.

📖 رساله ابوغالب زراری (۳۶۸م)، احمد بن محمد بن ابوطاهر بن بکیر بن اعین که به او زراری، بکیری و شیبانی نیز می‌گویند. رساله او از جمله منابع اولیه رجالی شیعه است که به بررسی شخصیت‌های حدیثی خاندان اعین که خود مولف از این خاندان است، پرداخته است.

📖 رجال ابن غضائری (۴۵۰م) که از آن با عنوان «الجرح» و «الضعفاء» نیز یاد می‌شود از منابع کهن رجالی شیعه است. این کتاب از دو جهت مورد نقد قرار گرفته: نخست آنکه او در تضعیف راویان افراط کرده است و دیگر آنکه تضعیفات او مستند به حدس است نه حس.

📖 فهرست شیخ منتجب‌الدین (م حدوداً ۶۰۰) که نام کامل آن «فهرست اسماء علماء الشیعة و مصنفیهم» است به معرفی ۵۵۳ تن از مشایخ حدیثی شیعه و آثار آنان از عصر شیخ طوسی تا دوران مولف اختصاص دارد. از امتیازات این کتاب آن است که پس از درگذشت شیخ طوسی تا عصر مولف تنها اثر رجالی است که این خلأ تاریخی را پر نموده است.

📖 کتاب معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین از ابن شهر آشوب، ۱۰۲۱ تن از عالمان شیعه را از دوران شیخ طوسی تا عصر مولف معرفی کرده است. با این تفاوت که محور توجه شیخ منتجب‌الدین آثار آنان است در حالی که ابن شهر آشوب مستقیماً به معرفی عالمان شیعه در این دوره تاریخی پرداخته است.

📖 رجال ابن داود (۷۰۷م) از بهترین منابع رجالی ثانویه شیعه است که دیدگاه‌های رجالی شیخ طوسی، کشی، نجاشی و ... را منعکس ساخته و مباحث کتاب را در دو بخش: ۱. موثقین و مهملین ۲. مجروحین و مجهولین ارائه نموده است.

📖 علامه حلّی (۷۲۶م) از عالمان برجسته و پرتألیف شیعه دارای کتاب مفصلی در زمینه رجال بوده با نام «کشف المقال فی معرفة الرجال» یا رجال کبیر که متأسفانه مفقود شده است. کتاب خلاصه الأقوال که به رجال علامه معروف

است، تلخیص این کتاب است که در دو بخش تنظیم شده: راویان ثقه و متوقفین (کسانی که نمی‌توان به روایاتشان عمل نمود).

📖 **مجمع الرجال قهپایی** (م ۹۹۳) یا **مجمع الرجال الحاوی لذكر المترجمين في الاصول الخمسة الرجالية** به منظور انعکاس دیدگاه‌های رجالی کشی، شیخ طوسی، نجاشی و ابن غضائری با ترتیب تاریخی آنها بدون افزودن مطلبی از سوی مولف فراهم آمده است.

📖 **تفرشی کتاب «نقد الرجال»** خود را به منظور سامان دادن به گفتار رجالیان پیشین فراهم آورد. در این کتاب به اختلاف نسخه‌ها و ضبط صحیح اسامی و توثیق و تضعیف فقهاء توجه شده است.

📖 **محمد بن علی اردبیلی** در کتاب «جامع الرواة» کوشیده است تا افزون بر منابع رجالی با مراجعه به احادیث، اشتباهات رجالیان در معرفی ناقص راویان را مرتفع ساخته و چهره‌شماری از مجاهیل را مشخص سازد. مولف ۲۰ سال از عمر خود را صرف نگارش این کتاب کرده است.

📖 در کتاب **الفوائد الرجالية** سید بحر العلوم که به رجال بحر العلوم معروف است، معروفین بیوتات حدیثی شیعه (آل ابی رافع، آل ابی شعبه، آل اعین) و اسامی صحابه و راویان پیامبر و ائمه علیهم السلام با ذکر آراء رجالیان پیشین آمده است.

آخرین فصل کتاب فوائد رجالی است، که نام کتاب هم از آن گرفته شده، مباحثی مانند رجال ارشاد، عدالت در راوی، شیوه صاحبان کتب اربعه، شرح حال و کلاء امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ... در این فصل آمده است.

📖 «**تنقیح المقال في علم الرجال**» از شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱) به صورت مبسوط و گسترده به بررسی عمیق دیدگاه‌های رجالیان درباره روات پرداخته است. در مقدمه این کتاب مباحث مبسوط و پرفائده‌ای درباره علم رجال و مباحث نظری آن آمده است. علامه مامقانی پیش از ورود به مباحث اصلی در رساله‌ای با عنوان **نتائج التنقیح في تمیيز السقیم من الصحیح** فهرست کامل راویان ذکر شده در کتاب خود را با ذکر دیدگاهش درباره وثاقت یا عدم وثاقت راوی منعکس ساخته است.

📖 «**قاموس الرجال**» از علامه شوشتری (معاصر) از کتاب‌های تحقیقی رجال است که به عنوان تعلیق بر کتاب **تنقیح المقال** مامقانی نگاشته شده است. مولف در مقدمه این کتاب به صورت مفصل کاستی‌های کتاب **تنقیح المقال** را یادآور شده است.

📖 «معجم رجال الحديث» از آیه الله خویی به خاطر گستردگی و توجه به طبقات راویان و نیز انعکاس همزمان روایات یا شمار روایات آنها در کتب اربعه بهترین و جامع‌ترین منبع رجالی است که ضمن برخورداری از دیدگاههای رجالیان پیشین، اظهار نظر نهایی درباره راویان در آن آمده است.

فصل ششم

آشنایی با مبانی فقه الحدیث

📖 فقه الحدیث به معنای تفسیر و تبیین حدیث پس از تاریخ حدیث، مصطلحات حدیث و رجال حدیث، مهمترین دانش حدیث است و سایر دانشهای حدیثی به عنوان مقدماتی در تسهیل فهم حدیث به کار می‌آیند.

تعریف فقه الحدیث: مبانی و ضوابطی که در فهم متون و مدالیل روایات مورد استفاده قرار می‌گیرد و تفسیر و تبیینی که بر اساس این مبانی از احادیث ارائه می‌گردد.

📖 **مفاهیم واژه‌ها** از مهم‌ترین مباحث در مبانی فهم حدیث است. زیرا واژه‌ها به مثابه آجرهای بنیان يك گفتار، مهم‌ترین نقش را در معنادهی برعهده دارند. اختلاف در معنای قطع و حدّ دست در آیه «السارق و السارقة فاقطعوا أيديهما» (مائده/۳۸) و مفهوم «مولی» در روایت «من كنت مولاه فعلى مولاه» از نمونه‌های اثبات‌گر مدعاست.

📖 از آنجا که واژه‌ها در زبان عربی بر اساس صورتهای مختلف صرفی با عطف توجه به ریشه و بن آنها شکل گرفته است، از این رو برای شناخت معنای هر واژه توجه به ریشه آنها بسیار موثر است.

📖 در برخورد با واژه‌هایی که از مفاهیم لاهوتی و ماوراء ماده سخن می‌گویند نظیر: میزان، لوح، قلم، عرش و ... سه دیدگاه وجود دارد:

۱. مکتب تعطیل: وظیفه ما ایمان به وجود این مفاهیم و واگذاری حقیقت آن به خداوند است.

۲. مکتب تشبیه: حمل این واژه‌ها به همان مفاهیم مادی‌شان.

۳. مکتب میان تعطیل و تشبیه. به استناد آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام تنها ره پذیرفته راه سوم است و بر اساس آن می‌بایست به گوهر معانی واژه‌ها توجه کرد. مثلاً به جای آنکه میزان در قیامت را به معنای ترازوی مادی معنا کنیم لازم است آن را به معنای «ما یوزن به» بدانیم که می‌تواند انسان کامل را دربر گیرد.

برخی واژه‌ها با گذشت زمان و متناسب با مقتضیات و نیازهای هر عصر معانی و مفاهیم جدیدی را به دست می‌دهند که ممکن است نسبت به معنای نخست دچار ضیق یا سعه یا حتی تناقض باشد. بدین جهت لازم است معنای مورد نظر در عصر صدور روایات مورد توجه قرار گیرد. از نمونه‌های روشن آن واژه «تفقه» است که در عصر صدور روایت به معنای مطلق دین‌فهمی آمده اما در دوران ما تنها به دین‌شناسی در حوزه فقه و احکام اختصاص یافته است.

از آنجا که برخی از واژه‌ها همچون مؤمن و منافق در روایات در معنای خاص به کار رفته و دارای اصطلاح روایی است از این رو در معانی این دست از واژه‌ها می‌بایست به این اصل یعنی اصطلاحات خاص روایات توجه داشت.

افزون بر واژه‌ها نوع چینش آنها که جمله را شکل داده و دانش نحو وظیفه بررسی آن را برعهده دارد در چگونگی معنادهی احادیث نقش اساسی را برعهده دارد به عنوان مثال در روایت «ان الله خلق آدم علی صورته» اگر ضمیر «صورته» به الله برگردد ممکن است معنای تجسیم و تشبیه را به دست دهد اما اگر به آدم برگردد معنای ثبات صورت آدمی را به دست می‌دهد. از این رو بررسی نوع چینش جملات بسیار مهم است.

در برخی از روایات از استنطاق خداوند از عقل یا از گریه آسمانها و زمین بر مرگ مؤمن سخن به میان آورده که حمل آنها بر معنای معانی بدوی و ظاهری با محذوراتی روبروست. در روایاتی از این دست می‌بایست از قواعد معانی و بیان و با توجه به اصل زبان روایات که صدور چنین عباراتی را به معنای استعاره و کنایه می‌داند، کمک گرفت.

سیاق به معنای شیوه سخن و طرز جمله‌بندی از قرائن لفظی است که با در نگریستن به صدر و ذیل گفتار و نیز مضمون گفتاری همسان در رفع ابهامها و بدست دادن معانی مورد نظر صاحب گفتار بسیار موثر است. به عنوان مثال روایت غدیر که در آن جمله «ألست أولى بالمؤمنین من أنفسهم و أمواهم» می‌توان دریافت که مقصود از واژه «مولی» در فقره «من كنت مولاة فهذا علی مولاة» ولایت در تصرف یعنی امامت و پیشوایی است.

از آنجا که روایات بسان قرآن نسبت به یکدیگر جنبه تفسیری و تبیینی دارد، از این رو لازم است برای بدست دادن معنای نهایی يك روایت به روایات متشابه و هم‌مضمون که از آن به خانواده حدیث یاد می‌شود، مراجعه شود.

نگاه جبرگرایانه طیف گسترده‌ای از متفکران اسلامی ناشی از یکسونگری به آیات و روایاتی است که از ظاهر بدوی آنها جبر فهمیده می‌شود و یا متصوفه به مجموعه‌ای از آیات و روایات نگریسته‌اند که در آنها از دنیا و محبت به آن نکوهش شده و به گرایش به زهد و آخرت ترغیب شده است. اینان از بخش دیگر آموزه‌های دینی که در آنها به صراحت به آزادی و اختیار انسان و نیز نکوهش عزلت و گوشه‌نشینی تاکید شده غافلند.

<http://1zokr.com>

Copyright © 1Zokr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتماً با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است.

<http://forums.1zokr.com>